

مجموعہ کتاب های امتحانی

فیصل

امتحان نہایے



پایہ

نظام جدید

final

عربی علوم انسانی

مؤلفین: گروہ عربی فرا:

سہیلا خاکباز

امینہ کارآمد

اسماعیل یونس پور لنگرودی



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

آنچه لازم است برای پاسخگویی صحیح و کامل به سؤال‌های درس چهارم باید بدانیم.

مهارت واژه‌شناسی و درک و فهم

جمع‌های مکسر:

کلمه	معنی	جمع	کلمه	معنی	جمع
الْحَطَّ	بخت	الْحَطُوظ	الْمَحْفَلِ	گردهم‌آبی	الْمَحَافِلِ
الأعجوبة	بسیار شگفت‌آور	أعاجيب	الْتَمَثَالِ	مجسمه	الْتَمَثَائِلِ
العجیبة	شگفت‌آور	عجائب	المثال	مثال	الأمثال
الظاهرة	پدیده	الظواهر، الظواهر	المیزان	ترازو	الموازين
المظهر	صحنه، چشم‌انداز	المظاهر	الوزن	وزن	الأوزان
الصفحة	صفحه	الصفحات	الكبير	بزرگ	الكبار
الصحيفة	روزنامه	الصحف	الأكبر	بزرگ‌تر (ترین)	الأكابر
الحفلة	جشن	الحفلات			

مهم‌ترین جمله‌های مفهومی

إِجْعَلْ نَفْسَكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ.	خودت را میان خویشتن و دیگری {چون} ترازویی قرار بده.
لَا تَنْظُمِ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُنْظَمَ.	ستم نکن، چنانچه دوست نداری به تو ستم شود.
أَحِبُّ لِعَیْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا.	آنچه برای خودت دوست داری برای غیر از خودت هم دوست بدار و آنچه برای خود ناپسند می‌داری برای او هم ناپسند بدار.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

اسلوب نداء

«حروف ندا» و «منادا» ارکان اصلی اسلوب ندا هستند. مهم‌ترین حرف ندا در زبان عربی «یا» است و اسمی که بعد از حرف ندا قرار می‌گیرد، منادا نامیده می‌شود. (منادا به معنی مورد ندا واقع شده است) حرفِ ندای «یا» بر اسم بدون «الف» می‌آید. مثال: یا حمیدُ یا قدسُ یا تلمیذُ المدرسه.

یک مطلب مهم: گاهی اسم دارای «ال» است. در این صورت چنین اسمی نمی‌تواند بعد از حرف ندا (یا) واقع شود و لازم است که میان اسم و حرف «أیها» برای مذکر و «أیتها» برای مؤنث قرار گیرد. در این صورت «أیها الطالبُ» یا «أیتها الطالبةُ» گروه منادا محسوب می‌شوند.

تشخیصی منادا در صورت حذف حرف ندا

گاه حرف ندا حذف می‌شود و به همین دلیل در چنین مواردی ممکن است تشخیص این که کلمه اول در جمله، منادا است یا مبتدا مشکل شود. به جملات زیر دقت کنید:

(الف) رَبِّي أَنْتَ وَلِيِّي. (ب) رَبِّي يُحِبُّ عِبَادَهُ. (ج) رَبِّي أَنَا أَحَبُّ وَالِدِي.

آزمون سطح متوسط درس پنجم

الف. مهارت واژه شناسی: (۲ نمره)

۰/۵	۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (۱) يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ (۲) أَذْهَبُ مَعَ زَمِيلَاتِي إِلَى الْحَفْلِ.
۰/۵	۲	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتْرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ) (شَابٌ - فَتَى - إِطْفَاءٌ - مُتَأَخِّرٌ - أَنْزَلُ) (۱) = (۲) ≠
۰/۵	۳	عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ عَنِ التَّوْضِيحَاتِ. (۱) الشُّعُورُ بِالْفَرْحِ وَ السُّرُورِ كَثِيرٌ. (النَّجَاحُ) (۲) اللَّهُ يُعْرِفُ بِهَا وَزْنَ شَيْءٍ. (المِيزَانُ)
۰/۵	۴	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ. الْحَطُّ: الصُّدُورُ:

ب. مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)

۵	۵	تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (۱) اللَّهُمَّ اَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ النَّافِعَةِ وَ اجْعَلْ أَيَّامَ حَيَاتِنَا كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ. ۱ (۲) الرَّجُلُ الْعَلَمَةُ يَتَحَدَّثُ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَابِ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ يُرِيدُ مِنْهُمْ الْجَهْدَ فِي حَيَاتِهِمْ. ۱ (۳) اسْتَفْبِحْ مَنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ احْبِبْ لغيرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. ۱ (۴) يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ. ۰/۵ (۵) يَقُولُ الْأُسْتَاذُ لِطَلَابِهِ يَا أَيُّهَا الْأَوْلَادُ الْمُؤَدَّبُونَ، حَافِظُوا عَلَيَّ نِظَافَةَ الطَّبِيعَةِ. ۱ (۶) رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ. ۰/۵
۰/۵	۶	اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱. مَجِيبَ الدَّعَوَاتِ اِرْحَمْنِي وَ اِرْحَمِ أَوْلَادِي. الف) اجابت كنده دعاها به من و فرزندانم رحم می کند. ب) ای اجابت كنده دعاها به من و فرزندانم رحم كن. ۲. الْمُسْلِمُونَ كَانُوا يَعْبُدُونَ اللَّهَ. الف) مسلمانان خدا را عبادت می کردند. ب) مسلمانان خدا را عبادت می کنند.
۱/۵	۷	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. (۱) وَ أَعْتَبِي فِي دُرُوسِي وَ آدَاءِ الْأَوْجِبَاتِ. مرا در درس هايم و (۲) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بَرِيكَ الْكَرِيمِ. ای انسان چه چیزی تو را نسبت به (۳) لَا تَطْلُمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تَطْلَمَ. ستم نکن دوست نداری

ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)

۱	۸	عَيِّنِ الْمُنَادَا. رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.
۱	۹	ترجم ما اُشِيرِ إِلَيْهِ بِخَطِّ وَ عَيِّنِ الْمُنَادَا. (۱) يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ. (۲) يَا أَيُّهَا الْبَنَاتُ أَنْتُمْ مُسْتَقْبَلُ بِلَادِكُنَّ عَلَيْكُنَّ أَنْ تَجْتَهِدْنَ.

آزمون سطح دشوار ۲ درس پنجم

الف. مهارت واژه شناسی: (۲ نمره)

۰/۵	۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: إملاً الصدر انشراحاً و قمي بالبسمات
۰/۵	۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين: (كلمة واحدة زائدة) (يُحِبُّ - يَحْفَظُ - يَحْمِي - يَجْتَهِدُ - يَكْرَهُ) الف) = ب) ≠
۰/۵	۳	عين الكلمة الغريبة في المعنى: الف) الفرح <input type="checkbox"/> السرور <input type="checkbox"/> الإشرار <input type="checkbox"/> الضاحك <input type="checkbox"/> ب) ساعد <input type="checkbox"/> استعان <input type="checkbox"/> نصّر <input type="checkbox"/> أعان <input type="checkbox"/>
۰/۵	۴	اكتب مفرداً أو جمع الكلمتين: الحظ: عواصم:

ب. مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)

۵	۵	ترجم الجمل إلى الفارسية: الف) «رب اجعلني مقيم الصلاة و من ذريتي ربنا و تقبل دعاء» ۰/۷۵ ب) و أعني في دروسي و أداء الواجبات. ۰/۵ ج) و احمني و احم بلادي من شرور الحوادث. ۰/۵ د) قل يا أيها الكافرون، لا أعبد ما تعبدون و أنتم عابدون ما أعبد» ۰/۷۵ هـ) «يا أيها الإنسان ما عرك ربك الكريم» ۰/۵ و) «يا بني اجعل نفسك ميزاناً فيما بينك و بين غيرك» ۰/۵ ز) استفتح من نفسك ما تستفيحه من غيرك. ۰/۵ ح) هؤلاء الأصدقاء لن يرجعوا إلى المدرسة. ۰/۵ ط) ما كنت رجعت إلى حفلة الانتصار. ۰/۵
۰/۵	۶	انتخب الترجمة الصحيحة: الف) اجعل اليوم سعيداً و كثير البركات. ۱) امروز را مبارک و پربرکت قرار داد. ۲) امروز را مبارک و پربرکت قرار بده. ب) و انز عقلي و قلبي بالعلوم النافعات. ۱) عقل و قلبم را با دانش های سودمند نورانی کن. ۲) عقل و قلبم را با دانش مفید روشنایی بخش.
۱/۵	۷	كمل الفراغات في الترجمة: أحسن كما تحب أن يحسن إليك و لاتقل ما لاتحب أن يقال لك. و چنانکه که به تو و چیزی را که برای تو

ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۵/۷ نمره)

۱	۸	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) إملاً الدنيا سلاماً. ب) إنارة القلب و العقل. ج) ربنا اننا سمعنا منادياً ينادي للإيمان. د) اللهم اني أسألك يا غفار الذنوب.
---	---	--

مروری بر نکات مهم مهارت قواعد در درس پایه

اسم از نظر جنس

- ④ مذکر: مثل (المُعَلِّم)
④ مؤنث: مهم‌ترین علامت آن «ة» است، مثل: المَعْلَمَة

بعضی اسم‌ها «ة» ندارند ولی مؤنث هستند مثل اُمّ، در اسم‌های جمع، برای تشخیص جنس به مفرد آن توجه کنید.

اسم از نظر تعداد

- ④ مفرد: دلالت بر «یکی» می‌کند؛ المَعْلَم / المَعْلَمَة
④ مثنی: دلالت بر دو تا می‌کند؛ (اسم مفرد + «ان» یا «تین»)، مثل: المَعْلَمَانِ - المَعْلَمَتَانِ / المَعْلَمَيْنِ - المَعْلَمَتَيْنِ
④ جمع: دلالت بر بیش از دو تا می‌کند.
④ انواع جمع: سالم مذکر: اسم مفرد + «ون» یا «ین»؛ مثل: المَعْلَمُونَ / المَعْلَمِينَ
سالم مؤنث: اسم مفرد + «ات»؛ مثل: المَعْلَمَات
مکسر: مفرد کلمه تغییر می‌کند؛ مثل کتاب ← کُتُب

اسم اشاره

- ④ نزدیک } مذکر: هذا (ذا) - هذان، هذین- هؤلاء (این- این دو - این‌ها)
مؤنث: هذه- هاتان، هاتین- هؤلاء
④ دور } مذکر: ذلک (ذاک) - اولئک (آن- آن‌ها)
مؤنث: تلک- اولئک

برای اشاره به جمع‌های غیرانسان «هذه و تلك» به کار می‌رود.

ضمایر

- ④ اول شخص: أنا / نحن (من / ما)
دوم شخص: أنت، إنت / إنتما / أنتم، أنتن (تو / شما / شما)
سوم شخص: هو، هي / هما / هم، هنّ / او / ایشان / ایشان)
④ آن‌هایی که به‌طور مستقل می‌آیند
④ اول شخص: ي / نا
دوم شخص: ك، كِ / كما / كمّ، كُنّ
سوم شخص: ه، ها / هما / هم، هنّ
④ آن‌هایی که به کلمه دیگری می‌چسبند

انواع فعل

- ④ ماضی ← فَعَلَ: انجام داد
④ ماضی منفی ← ما فعل: انجام نداد
④ امر ← اِفْعَلْ: انجام بده
④ نهی ← لا تَفْعَلْ: انجام نده
④ مضارع ← يَفْعَلْ: انجام می‌دهد
④ مضارع منفی (نفی) ← لا يَفْعَلْ: انجام نمی‌دهد
④ مستقبل ← سَيَفْعَلْ / سَوْفَ يَفْعَلْ: انجام خواهد داد
④ ماضی استمراری ← كان يَفْعَلْ: انجام می‌داد
④ ماضی بعید ← كان فعل (= كان قد فعل = انجام داده بود)

وزن کلمه

اکثر کلمه‌ها سه حرف اصلی دارند (۳ حرف اصلی = ریشه کلمه) و بقیه حروف زائد هستند.

- پیدا کردن وزن: قرار دادن «ف.ع.ل» به جای سه حرف اصلی
④ مکتوب: مفعول
④ کاتب: فاعل
← ف.ع.ل = ک.ت.ب

مروری بر نکات مهم مهارت ترجمه در درس پایه

ترجمه انواع فعل

← ماضی و ماضی منفی:

فَعَلٌ: انجام داد ما فَعَلٌ: انجام نداد لمْ يَفْعَلٌ: انجام نداد (نداده است)

← مضارع و منفی:

يَفْعَلٌ: انجام نمی‌دهد لا يَفْعَلٌ: انجام نمی‌دهد

← معادل امر و نهی:

اِفْعَلْ: انجام بده لا تَفْعَلْ: انجام نده
لِيَفْعَلْ: باید انجام بدهد لا لِيَفْعَلْ: نباید انجام بدهد (انجام ندهد)

← معادل‌های مضارع التزامی:

أَنْ يَفْعَلَ: که انجام بدهد حَتَّى يَفْعَلَ: تا انجام بدهد كَيْ يَفْعَلَ: تا انجام بدهد
لِيَفْعَلَ: تا انجام بدهد لِيَفْعَلَ: تا (برای اینکه) انجام بدهد

← آینده و آینده منفی:

سَيَفْعَلُ - سوف يَفْعَلُ: انجام خواهد داد لَنْ يَفْعَلَ: انجام نخواهد داد (هرگز انجام نمی‌دهد)

← معادل ماضی استمراری:

كَانَ يَفْعَلُ: انجام می‌داد

← معادل ماضی بعید:

كَانَ فَعَلًا = كان قد فَعَلَ: انجام داده بود

← معادل ماضی نقلی:

قَدْ + ماضی (قد فعل = انجام داده است)

لَمَّا + فعل ماضی معادل «هنگامی که» ترجمه می‌شود (لَمَّا فَعَلَ: هنگامی که انجام داد)

قَدْ + فعل مضارع معادل «گاهی» ترجمه می‌شود (قد يَفْعَلُ: گاهی انجام می‌دهد)

← ترجمه تَفَعَّلَ:

انجام می‌دهد (او زن) انجام می‌دهی (تو مرد)

← ترجمه تَفَعَّلان:

انجام می‌دهند (ایشان دو زن) انجام می‌دهید (شما دو مرد) انجام می‌دهید (شما دو زن)

برای تشخیص این معانی باید به جایگاه این کلمات در جمله و وجود کلمات مخاطب یا مؤنث در سایر کلمات مربوط به آن‌ها توجه کنید.
کان فاعلاً (كانتُ فاعلةً) ← می‌تواند معادل «انجام داده بود» ترجمه شود.

← هذان، هذین، هاتان و هاتین به معنای «این دو» هستند ولی ترجمه آن‌ها به صورت «این‌ها» نیز صحیح است.

در ترجمه جمله‌هایی که دارای اسم اشاره هستند به اسم پس از اسم اشاره توجه کنید:

اگر این اسم «ال» دارد، نباید بین اسم اشاره و اسم پس از آن مکث کنید.

(هذا الكتاب مفيدٌ ← این کتاب، مفید است.)

← در عربی، برای جمع‌های غیرانسان، فعل ضمیر، اسم اشاره و سایر موارد مربوط به آن‌ها به صورت مفرد مؤنث ذکر

می‌شود ولی در فارسی این موارد می‌توانند به صورت جمع ترجمه شود: (هذه كتبٌ ← این‌ها کتاب هستند.)

← اگر فاعل جمله، اسمی باشد که پس از فعل ذکر شده است، در عربی، فعل به صورت مفرد می‌آید حتی اگر فاعل

جمع باشد ولی در فارسی فعل هماهنگ با فاعل ترجمه می‌شود: (ذهب التلاميذُ ← دانش‌آموزان رفتند.)



که به سوی ایمان ندا می‌داد. (۰/۲۵)
 ۹) همشهری فهمیده به نظافت (۰/۲۵) محیط‌زیست بسیار
 توجه می‌کند. (۰/۲۵)
 ۱۰) شاید این دانش‌آموزان (۰/۲۵) تمرین‌ها را بنویسند. (۰/۲۵)
 ۱۱) جز آنچه به ما آموخته‌ای (۰/۲۵) هیچ دانشی نداریم.
 (۰/۲۵)
 ۱۲) مردم امتی یگانه بودند (۰/۲۵) و خداوند پیامبران را (۰/۲۵)
 مژده دهنده فرستاد. (۰/۲۵)

۶. الف- (۲) (۰/۲۵) (أَقْبَلَ علی: روی آوردند)
 ب- (۱) (۰/۲۵) (محاسبه: مفعول مطلق نوعی است نه تأکیدی)

۷. به شدت (۰/۲۵) ملاحظه کرد (۰/۲۵) موش‌های (۰/۲۵)
 سبزیجات (۰/۲۵)

۸. الف- که برگردند (۰/۲۵) ب- گاهی پناه می‌برند (۰/۲۵) ج-
 مطالعه کنید (۰/۲۵)

د- مصرف نکردیم (۰/۲۵) هـ- خودداری می‌کردم (۰/۲۵) و-
 نیکی کنید (۰/۲۵)

۹. الف- تُدْرَسُ (۰/۲۵) (فعل غایب در اول جمله مفرد می‌آید)
 ب- قَرَأْنَا (۰/۲۵) (با توجه به اَمْسِ «دیروز» قَرَأْنَا صحیح است).

۱۰. المتشائم: فاعل (۰/۲۵) فرصه: مضاف الیه ربّ: منادا (۰/۲۵) ی:
 مفعول (۰/۲۵) تکلیماً: مفعول مطلق تأکیدی (۰/۲۵) أداء: مجرور
 به حرف جر (۰/۲۵) راضیه: حال (۰/۲۵) أمّ: مفعول (۰/۲۵) لباس:
 اسم لای نفی جنس (۰/۲۵) أجْمَلُ: خبر لای نفی جنس (۰/۲۵)
 یلعبون: خبر کان (۰/۲۵)

۱۱. الف- (۰/۲۵) (در این عبارت مستثنی‌منه در جمله قبل از
 إلا نیامده است) (در گزینه‌های دیگر انواع الفاکهه و الکتاب
 مستثنی‌منه است).

۱۲. ۱- «ب» (۰/۲۵) (در گزینه الف مجرد ثلاثی اشتباه است)
 ۲- «الف» (۰/۲۵) (در گزینه ب فاعل نادرست است)

۱۳. عَلَام: اسم مبالغه (۰/۲۵) أَحْسَن: اسم تفضیل (۰/۲۵)
 محفوظاً: اسم مفعول (۰/۲۵) جالساً: اسم فاعل (۰/۲۵)

۱۴. الف- درست (۰/۲۵) (۵۷=۱۱-۶۸)
 ب- نادرست (۰/۲۵) (دخالست انسان در امور طبیعت منجر به
 تنظیم تعادل آن می‌شود)

۱۵. ۱) لِيَمْنَعِ انفجاره (۰/۲۵) ۲) واصل عمله دؤوباً (۰/۲۵)

۱۱. المُشْتَرِي: اسم كَانَّ و منصوب (۰/۲۵) مُتَرَدِّدٌ: خبر كَانَّ و مرفوع
 (۰/۲۵) شَرَاء: مجرور به حرف جر (۰/۲۵) أولاء: منادا (۰/۲۵)
 الطبیعة: مضاف الیه (۰/۲۵) الذنوب: مفعول و منصوب (۰/۲۵)

۱۲. الف) ✓ (ص) (۰/۲۵) ب) ✓ (ص) (۰/۲۵)
 ج) ✗ (غ) (۰/۲۵) د) ✗ (غ) (۰/۲۵)

۱۳. الف) تُحِبُّونَ: فعل مضارع، جمع مذکر
 مخاطب، (۰/۲۵) باب إفعال (۰/۲۵)
 ب) اسْتَقْبَحُوا: فعل امر، جمع مذکر مخاطب، (۰/۲۵)
 باب استفعال (۰/۲۵)
 ج) أَنْفَسَ (۰/۲۵) نَفَسَ (۰/۲۵)

۱۴. تَحَدَّثَ الرَّجُلُ الْعَلَمَةُ مَعَ جَمِيعِ الطَّلَابِ فِي الْمَدْرَسَةِ.
 (الرجلُ العَلَمَةُ تَحَدَّثَ)

پاسخنامه آزمون ترم دوم (۱)

۱. فناوری (۰/۲۵) لال (۰/۲۵) چه کار ویرانگری (۰/۲۵) دست درازی
 کردی (۰/۲۵)

۲. الف- الشَّبَاب= الْفِتْيَةُ (۰/۲۵) (جوانان) ب- ضاق (تنگ شد) ≠
 اتَّسَعَ (فراخ شد) (۰/۲۵)

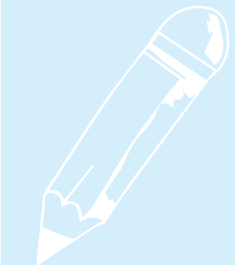
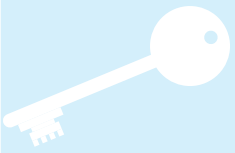
۳. الطَّمْر (۰/۲۵) به معنی جامه است اما الطَّعْم، المأدبة و
 العشاء به معنی خوردن و مهمانی هستند.

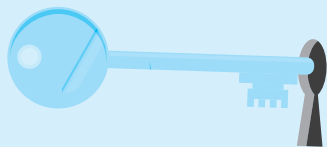
۴. الخَبْرَاء (۰/۲۵)

۵. ۱) آیا می‌پنداری که تو جرمی کوچک هستی؟ (۰/۲۵)
 حال آنکه جهان بزرگ در تو در هم پیچیده است. (۰/۲۵)
 ۲) هر خوراکی که نام خدا (۰/۲۵) بر آن یاد نشود (۰/۲۵)
 تنها بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست. (۰/۲۵)
 ۳) این جایزه اهدا می‌شود (۰/۲۵) در هر سال به کسی که
 (۰/۲۵) به بشریت سود می‌رساند. (۰/۲۵)
 ۴) ای کشاورز، آیا امید داری (۰/۲۵) که زندگی کنی تا از
 میوه‌اش بخوری؟ (۰/۲۵)

۵) هر چیزی ارزان می‌شود (۰/۲۵) زمانی که زیاد شود به جز
 ادب (۰/۲۵) چونکه آن زمانی که زیاد شود گران می‌شود. (۰/۲۵)
 ۶) انسان چه ستمگر است برای طبیعت (۰/۲۵) در فعالیت‌هایش
 که منجر می‌شود به (۰/۲۵) به هم خوردن این تعادل (۰/۲۵)
 ۷) و خردم و دلم را روشن کن (۰/۲۵) با دانش‌های
 سودمند (۰/۲۵)

۸) پروردگارا بی‌گمان ما صدای ندادهنده را شنیدیم (۰/۲۵)





۳) مات أحوه الأصغر (۰/۲۵) ۴) لِيُجْرِي فِيهِ تَجَارِبُهُ (۰/۲۵)

۱۶. الف-ثمانية طلابٍ (۰/۲۵) ب) بالسيارة (۰/۲۵)

پاسخنامه آزمون ترم دوم (۲)

۱. چه شتابان است! (۰/۲۵) میوه دادن (۰/۲۵) سست نشوید (۰/۲۵) گل، سرشت (۰/۲۵)

۲. الف) الداء = المرض (بیماری) (۰/۲۵)
ب) خيبة الأمل (ناامیدی) ≠ الرجاء (امید) (۰/۲۵)

۳. الآبار (چاه‌ها) با سایر کلمات (مادران، خواهران و نیاکان) ناهماهنگ است. (۰/۲۵)

۴. الأسمدة (۰/۲۵)

۱. ۵) پس به کمک دانش رستگاه شو (۰/۲۵) و برای آن جایگزین نخواه (۰/۲۵) که مردم مرده و اهل دانش زنده‌اند (۰/۲۵)

۲) ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب ورزند (۰/۲۵) نباید تو را غمگین سازند (۰/۲۵)

۳) کارهای دشوارش را (۰/۲۵) در کندن تونل‌ها و شکافتن کانال‌ها (۰/۲۵) آسان ساخت (۰/۲۵)

۴) بی‌گمان دنیایتان نزد من (۰/۲۵) از برگی در دهان ملخی (۰/۲۵) که آن را می‌جوید پست‌تر است. (۰/۲۵)

۵) پس پیامبر خدا او را شناخت (۰/۲۵) و او را گرمی داشت (۰/۲۵) و روپوش بلندش را برایش پهن کرد (۰/۲۵)

۶) مشکلات زیادی را در محیط زیستی (۰/۲۵) که در آن زندگی می‌کنی (۰/۲۵) به گونه‌ای دردناک مشاهده خواهی کرد (۰/۲۵)

۷) هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست (۰/۲۵) و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست. (۰/۲۵)

۸) کاش دوستم (۰/۲۵) در مسابقه پیروز شود (۰/۲۵)

۹) هر ظرفی با آنچه در آن قرار داده شد (۰/۲۵) تنگ می‌شود به جز ظرف دانش (۰/۲۵) پس آن فراخ می‌شود. (۰/۲۵)

۱۰) پروردگار مرا و فرزندانم را (۰/۲۵) برپادارنده نماز قرار بده (۰/۲۵) پروردگارا دعایم را بپذیر (۰/۲۵)

۱۱) این آفرینش خداست (۰/۲۵) پس به من نشان دهید (۰/۲۵) کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟ (۰/۲۵)

۱۶. الف) (۲) (۰/۲۵) (چون مستثنی‌منه (کُتِبِي) در جمله آمده است اسلوب حصر نیست)

ب) (۱) استغفار (مفعول مطلق نوعی است و ترجمه آن با قید قطعاً نادرست است. در ضمن استغفرتُ فعل ماضی است نه مضارع)

۷. مهمانی (۰/۲۵) تهیدستان (۰/۲۵) ثروتمندشان (۰/۲۵)

دعوت شده است. (۰/۲۵)

۸. الف) رها نمی‌شود (ترک نمی‌شود) (۰/۲۵) (فعل مضارع مجهول)

ب) تلاش کرده بودند (۰/۲۵) (معادل ماضی بعید) ج) باز نخواهد گشت. (۰/۲۵) د) نشاناند (۰/۲۵) ه) مرا یاد کنند (۰/۲۵) و) خشمگین نشو (۰/۲۵)

۹. الف) سَاعِدِي (۰/۲۵) (صديقةٌ و كِ مفرد مونث مخاطب هستند)

ب) أَجْتَهِدُ (سوف تنها قبل از مضارع می‌آید و ضمیر «ي» برای متکلم وحده است)

۱۰. اللّهُ: فاعل (۰/۲۵) الذُّنُوبُ: مفعول (۰/۲۵) الشُّرَكَ: مستثنی (۰/۲۵) الفهيم: صفت (۰/۲۵) اهتاماً: مفعول مطلق نوعی (۰/۲۵) شیء اسم لای نفی جنس (۰/۲۵) أَحَقُّ: خبر لای نفی جنس (۰/۲۵) رَبَّنَا: منادا (۰/۲۵) «نا» اسم إنَّ (۰/۲۵) اللاعبون: مبتدا (۰/۲۵) مُبْتَسِمِينَ: حال (۰/۲۵)

۱۱. الف) (۰/۲۵) (مستثنی‌منه در جمله قبل از إلاً محذوف است) در جمله ب کتاباً و در جمله ج الطلاب مستثنی‌منه هستند.

۱۲. الف) (۰/۲۵) (در گزینه ب مجرد ثلاثی و مبنی نادرست هستند.) ب) (۰/۲۵) (در گزینه الف اسم فاعل و مفعول نادرست هستند.)

۱۳. أَحْسَنُ: اسم تفضیل (۰/۲۵) الخالقين: اسم فاعل (۰/۲۵) الْمُؤَدَّبُونَ: اسم مفعول (۰/۲۵) أَمَارَةٌ: اسم مبالغه (۰/۲۵)

۱۴. الف) نادرست (۰/۲۵) (زباله‌های صنعتی تهدیدی برای نظام طبیعت به شمار نمی‌آید.)

ب) درست (۰/۲۵) (اگر پیامبر سنگدل بود مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند.)

۱۵. ۱) يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. (۰/۲۵) ۲) قَدْ يَلْجَأُ الطَّيْرُ إِلَى حَيْلٍ لِيَطْرِدَ الْمَفْتَرِسَ. (۰/۲۵) ۳) لَا، لَا يَصِيدُ الْحَيَوَانَ الْفَرَّاحَ. (۰/۲۵) ۴) عِنْدَ مَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنَ خِدَاعِ الْعَدُوِّ. (۰/۲۵)

۱۶. الف) أربع (۰/۲۵) ب) بالحافلة (۰/۲۵)

پاسخنامه آزمون ترم دوم (۳)

۱. زشت بدار (۰/۲۵) رهرو (پیرو) (۰/۲۵) پیروی می‌کند (۰/۲۵) روشنی می‌جوید (۰/۲۵)

۲. الف) دَهَبٌ = رَاحٌ (رفت) (۰/۲۵)

ب) غَلَا (گران شد) ≠ رَحُصٌ (ارزان شد) (۰/۲۵)